

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لعنة الله علي اعدائهم اجمعين من الان الي قيام يوم الدين

یادآوری

در بحث گذشته کلام مرحوم محقق عراقی(ره) را بر حسب آنچه که در متن کتاب «روائع الامالي في فروع العلم الاجمالي» آمده، ذکر کردیم. خلاصه فرمایش ایشان بر حسب آنچه که در متن آمده این بود که این کسی که يك سجده ي واحده را از رکعت اخيره فراموش مي کند یا سجدتين را فراموش مي کند، اینجا:

اگر بعد از سلام نماز عمل منافی انجام داده باشد، مثل حدث یا مثل استدبار، اینجا فرمودند نمازش باطل است.

و اما اگر بعد از سلام نماز عمل منافی انجام نداده باشد اینجا فرمودند: باید تدارك ببیند. یعنی باید بعد از این تشهد و سلام برگردد و يك سجده، در آنجایی که يك سجده فراموش شده یا آنجایی که دو سجده فراموش شده انجام بدهد، بعنوان الاداء و بعنوان الجزئية هم باید انجام بدهد، یعنی بعنوان القضاء نباید انجام بدهد، بلکه به عنوان اینکه این سلام در این صورتی که منافی انجام نداده، «في غير محله» واقع شده و این سلام و تشهد «في غير محلهم» است؛ لذا سجده واحده یا سجدتين را باید تدارك ببیند که این را در بحث گذشته توضیح دادیم.

به عبارت دیگر، مرحوم محقق عراقی(ره) فرمودند: اگر منافی واقع شده باشد، اینجا نماز این مکلف باطل است، اما اگر منافی واقع نشده باشد، اینجا این سلام «في غير محله» است و باید تدارك ببیند.

و عبارت ایشان را توضیح دادیم که گفتند:

آنجایی که منافی واقع شده، محل تدارك سجده یا سجدتين فوت شده، به صرف انجام منافی دیگر محلی برای تدارك نیست! اما آنجایی که منافی انجام نشده، محلّ تدارك سجده یا سجدتين هنوز باقی است. و وقتی منافی نباشد این سلام، «في غير محله» است و محلّ فوت سجده هنوز باقی است، یعنی محل تداركش باقی است و می تواند تدارك ببیند.

این کلام محقق عراقی(ره) در متن کتاب «روائع الامالي في فروع العلم الاجمالي» بود که خدمتتان عرض کردیم البته بعد هم ایشان تعریضی را بر مرحوم سیّد(ره) و مرحوم صاحب جواهر(ره) داشتند که آن را توضیح دادیم.

تفاوت نظر محقق عراقی(ره) در حاشیه کتاب «روائع الامالي»

اما عرض کردیم محقق عراقی(ره) در کتاب یاد شده يك حاشیه ای دارند. ایشان در حاشیه می فرمایند: «هذا ما كتبه سابقا و

الآن أقول: الأقوى التفصيل بين تذكر الفوت قبل المنافي سهوياً أم بعده؛ باز در حاشیه می‌فرمایند: بین منافی و عدم منافی تفصیل می‌دهیم اما به این بیان که آنجایی که قبل المنافی است «بالصحة و لزوم إعادة السجود و ما بعده مطلقاً في الأول»، یعنی آنجایی که هنوز منافی انجام نداده، باید تدارک ببیند، فرقی هم بین اینکه يك سجده فوت شده باشد یا سجدتین، نیست!

اما آنجایی که منافی انجام داده، در متن فرمودند: اگر منافی باشد چه يك سجده فراموش شده باشد و چه دو سجده، نماز باطل است. اما در حاشیه اینجا را فرق می‌گذارند و می‌فرمایند: اگر منافی انجام داده باشد، اگر سجدتین از او فوت شده، نمازش باطل است؛ اما اگر سجده‌ی واحده از او فوت شده اینجا باید قضا انجام بدهد. «و بالبطان في السجدتين و الصحة في الواحدة مع قضائها في الثاني» و «في الثاني» یعنی در جایی که منافی انجام داده باشد.

پس ببینید بین متن و حاشیه کتاب «روائع الامالي في فروع العلم الاجمالي» در صورت عدم منافی فرقی نیست، یعنی اگر منافی انجام نداده، چه يك سجده از رکعت اخیره را فراموش کرده باشد، چه دو سجده از رکعت اخيره را فراموش کرده باشد؛ در هر دو صورت باید تدارک ببیند و نمازش هم صحیح است.

اما آنجایی که منافی انجام داده است، در متن فرمودند: چه يك سجده فوت شده باشد و چه سجدتین، نماز باطل است. اما در حاشیه فرمودند: بین سجده واحده و سجدتین فرق است چه اینکه آنجایی که يك سجده فوت شده می‌گویند باید قضاء شود و آنجایی که سجدتین هست می‌فرماید نماز باطل است.

محقق عراقی(ره) در متن کتاب «روائع الامالي» فرمودند: ما در صورتی که منافی واقع نشده باشد به مقتضای دلیل ترتیب، که دلیل ترتیب همان روایت «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ» است که امام کاظم(ع) فرمود: «قَالَ يَسْتَقْبَلُ حَتَّى يَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوْضِعَهُ»، محقق عراقی(ره) می‌فرمایند: ما از دلیل ترتیب یعنی همین روایت «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ» استفاده می‌کنیم آنجایی که منافی انجام نشده، این تشهد و سلام «في غير موضعهم» است. دلیل ترتیب می‌گوید اول باید سجده را بیاورد و بعد تشهد و بعد سلام را.

حالا اگر کسی يك سجده را فراموش کرد، سجده و سلام را آورد، این سجده و سلام در موضع خودش واقع نشده، پس دلیل ترتیب می‌گوید این سلام کلاسلام است! وقتی کلاسلام شد این تشهد کلاتشهد و کالعدم است؛ پس آن سجده را قضا می‌کند، بعد تشهد و سلام می‌دهد. اگر دو تا سجده بود هر دو را انجام می‌دهد تدارک می‌بیند و بعد تشهد و بعد سلام.

محقق عراقی(ره) می‌فرماید: این روایت «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ» می‌گوید کسی که هنوز منافی را انجام نداده، اطلاق روایت می‌گوید این شخص هنوز در نماز است، یعنی نمازش هنوز تمام نشده و تا مادامی که منافی نیاید، این نماز تمام نشده، و آنچه مخرج از نماز است منافی است. روایت «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ» که می‌گوید: «يَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوْضِعَهُ»، می‌گوید این مصلي تا مادامی که هنوز منافی انجام نداده و از نماز خارج نشده، ترتیب باید رعایت شود. پس در صورت عدم منافی اطلاق این روایت «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ» می‌گوید این شخص در نماز است و باید برگردد سجده و یا سجدتین را تدارک ببیند.

اساساً روایت «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ» در مقام لزوم حفظ ترتیب در نماز است و در مقام تصحیح نماز است، می‌گوید باید بین رکوع و سجود و تشهد و سلام ترتیب باشد. حالا اگر يك جا بین سجده و تشهد، ترتیب به هم خورد باید برگردد و سجده را انجام بدهد و بعد تشهد و بعد نیز سلام را انجام دهد. نتیجه این است که اساساً روایت «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ» صورت وقوع منافی را شامل نمی‌شود، موضوع ترتیب و محلّ ترتیب کجاست؟ جایی است که این شخص هنوز نمازش پابرجاست، امکان رعایت ترتیب وجود دارد.

پس، مرحوم محقق عراقی(ره) با این دقت توضیح می‌دهند و تبیین می‌کنند، روایت «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ» دلالت بر لزوم حفظ ترتیب دارد در صورتی که منافی انجام نشده باشد.

اما جايي كه مصلّي منافي را انجام داده، ديگر موضوعي براي ترتيب وجود ندارد يعني ديگر نمي‌شود گفت حالا كه حدث هم صادر شده، استدبار هم صادر شده، پس برگرد و ترتيب را رعايت كن، اين نمي‌شود. زيرا همان‌طور كه گفته شد موضوع ترتيب و رعايت ترتيب در جايي است كه منافي انجام نشده باشد.

حالا اگر منافي انجام شد چه مي‌شود؟ پاسخ اين است كه ديگر موضوعي براي ترتيب نيست و اگر موضوعي براي ترتيب نباشد ديگر نمي‌توانيم بگوئيم سلام در محلّ خودش واقع نشده بلكه سلام در محلّ خودش واقع شده.

مرحوم محقق عراقي(ره) در حاشيه كتاب ياد شده، بيشتر روي اين نکته توجه مي‌كنند كه در صورت انجام منافي، سلام در محلّ خودش واقع شده است و در صورت عدم انجام منافي، سلام در محلّ خودش واقع نشده است. چه نتيجه‌اي از اين مطلب گرفته مي‌شود؟

مي‌گوئيم: وقتي منافي نيست و سلام در محلّ خودش واقع نشده پس امكان تدارك هست اما وقتي منافي آمد و سلام در محلّ خودش واقع شده ديگر امكان تدارك نيست! امكان تدارك كه نبود، طبق رواياتي كه مي‌گويد اگر يك سجده فوت شد، قابليّت قضا دارد، مي‌گوئيم: آنجايي كه يك سجده فوت شده بايد قضا كند، اما ادله‌اي كه مي‌گويد اگر ركني در نماز كم يا زياد شد، ركن نماز كه سجدين است آورده نشده پس نماز باطل است.

پس ببينيد با چه دقّت و ظرافتي مرحوم عراقي(ره) به اين نتيجه رسيدند كه مي‌گويند: در صورت منافي، سلام در محلّ خودش واقع شده، وقتي سلام در محلّ خودش واقع شده يعني نماز تمام شد، وقتي نماز تمام شد،

اگر سجدين را نياورده، ركن را نياورده پس نمازش باطل است؛

اگر سجده‌ي واحده را نياورده، اينجا اخلافي به ركن وارد نشده و فقط بايد قضاء اين سجده را انجام بدهد.

اين كلامي بود كه مرحوم عراقي(ره) در متن و در حاشيه «روائع الامالي في فروع العلم الاجمالي» دارند.

خلاصه‌ي مجموع كلام محقق عراقي(ره)

ايشان با استفاده از روايت «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ» - روايتش اين بود كه سائل از امام كاظم(ع) سؤال كرد كه «سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ(ع) عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى أَنْ يَرْكَعَ»، ركوع را فراموش كرده بايد چكار كند؟ امام كاظم(ع) فرمودند: «قَالَ(ع) يَسْتَقْبِلُ حَتَّى يَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوْضِعَهُ» - مي‌گويند كه امام(ع) در مقام اين است كه يك كاري كند كه اين نمازش صحيح شود، يعني در مقام لزوم حفظ ترتيب است و در نتيجه گفتيم چون ترتيب آنجايي است كه هنوز منافي انجام نشده باشد لذا مي‌گويد اگر كسي تشهّد را خواند و سلام را داد و يادش افتاد يك سجده نياورده يا دو سجده نياورده، اگر منافي انجام نشده، هنوز محلّ تدارك سجده يا سجدين فوت نشده؛ لذا هنوز اين سجده از جزئيت ساقط نشده، اين تعبير در كلام عراقي(ره) هم هست. آنجايي كه منافي انجام شده باشد و يك سجده فوت شده باشد اينجا سجده از جزئيت ساقط است و بايد قضاء كند، آنجايي كه هنوز امكان تدارك وجود دارد ديگر بحث قضاء مطرح نيست و جزء به جزئيت خودش باقي مي‌ماند.

اين خلاصه فرمايش مرحوم محقق عراقي(ره) در متن و حاشيه «روائع الامالي في فروع العلم الاجمالي» بود.

مناقشه امام خميني(ره) بر نظر محقق عراقي(ره)

حضرت امام(ره) این فرمایش محقق عراقي(ره) را مورد مناقشه قرار دادند و اساس فرمایش امام خميني(ره) این است که به محقق عراقي(ره) می‌فرمایند:

شما روایت «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ» را درست معنا نکردید، روایت اسحاق بن عمار در مقام تصحیح صلاة نیست، «عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى أَنْ يَرْكَعَ»، حالا از خود وسائل الشیعة روایت را بخوانیم؛ جلد ششم صفحه 313 باب دهم از ابواب صلاة حدیث دوم؛ «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا إِبرَاهِيمَ(ع) عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى أَنْ يَرْكَعَ قَالَ(ع) يَسْتَقْبِلُ حَتَّى يَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوْضِعَهُ».

مرحوم عراقي(ره) فرموده:

اولاً: این روایت در مقام تصحیح نماز است.

ثانياً: در مقام لزوم حفظ ترتیب در نماز است.

اما امام خميني(ره) می‌فرمایند: کجا این روایت در مقام تصحیح نماز است؟ این «يَسْتَقْبِلُ»، کنایه از «يُعِيدُ» است، روایت ظهور در این دارد، کسی نمازش را خوانده و بعد از تمامیت نماز یادش می‌آید که رکوع را انجام نداده، «يَسْتَقْبِلُ»، یعنی باید بلند شود و رو به قبله بایستد و نمازش را اعاده کند و حق هم با امام خميني(ره) است. و در نتیجه مرحوم عراقي(ره) فرمود: روایت در مقام تصحیح نماز است، بعد آمد اطلاق گيري کرد و در اطلاقش هم فرمود در همی اجزاء ترتیب لازم است، در نتیجه قبل از وقوع منافی اگر کسی سلام داد اما سجده یا سجدتین را نیاورد، این اطلاق روایت می‌گوید این سلام در محلّ خودش واقع نشده، باید ترتیب رعایت شود، برگردد سجده را بخواند، اگر يك سجده فوت شده، یا سجدتین را، بعد تشهد و سلام.

امام خميني(ره) می‌فرمایند: اساساً این روایت در مقام مسئله‌ي ترتیب نیست، کسی بعد از نماز یادش افتاد در یکی از رکعات رکوع را نیاورده، امام خميني(ره) می‌فرماید: «يَسْتَقْبِلُ»، یعنی باید رو به قبله بایستد و دوباره نماز را اعاده کند و شاهد این مطلب روایت چهارم همین باب است؛ در روایت چهارم «عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ(ع) عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَرْكَعَ»، عین همان سؤال است، آنجا دارد «قَالَ(ع) عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ» باید اعاده کند.

نظر مختار در مناقشه بین محقق عراقي(ره) و امام خميني(ره)

حق هم با امام خميني(ره) است و تعجب است از مرحوم محقق عراقي(ره) که اساساً این روایت «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ» ارتباطی به اینکه امام(ع) بخواهد نماز را تصحیح کند ندارد و یا امام(ع) بخواهد در مقام لزوم حفظ ترتیب باشد، هیچ کجای این روایت دلالتی ندارد.

پس نتیجه می‌گیریم روایت «إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ» اگر در مقام لزوم حفظ ترتیب نیست از اطلاقش نمی‌شود استفاده کرد که آیا سلام در موضع خودش در ما نحن فیه و در این فرق واقع شده یا نه؟ و اساساً در مقام بیان این جهات نیست.

نکته مهم در فرق مخرج با مبطل

بین «مخرج» و «مبطل» فرق است، شما می‌گوئید اگر کسی بعد از این سلام منافی انجام داد این مبطل است؛ اما آنچه ما می‌گوئیم مخرج است یعنی سلام صحیح است و سلام صحیح نیز در نماز صحیح است، اما اگر گفتیم يك سلامي مخرج است و نماز باطل است، این اصلاً معنا ندارد، در فرض بطلان نماز بخواهیم بگوئیم این سلام مخرج است اینکه حرف درستی نیست.

پس این روایت اسحاق بن عمار نمی‌تواند در اینجا فایده‌ای داشته باشد و کلام مرحوم محقق عراقی (ره) درست نیست.

بررسی مخرج بودن یا نبودن سلام در دو فرض کلی

اینجا بحث در این است که ما در این دو تا فرع باید بحث را مطرح کنیم، یکی در فرض وقوع منافی و دیگری عدم وقوع منافی. در فرضی که منافی واقع نشده باشد، اگر سجده را فراموش کرد، این يك فرع است، دو، اگر سجده واحده را فراموش کرد، آیا این سلام عنوان مخرج از نماز را دارد یا نه؟

بحث جزئیت یا عدم جزئیت سلام در نماز

اینجا در بحث سلام در نماز يك اختلافی وجود دارد، هم در میان علمای عامه و هم در میان علمای خاصه؛ آیا سلام به عنوان جزء نماز است یا به عنوان يك امری است که خارج از نماز است.

اگر ما آمديم سلام را جزء نماز دانستيم و گفتيم سلام جزء نماز است، مسئله‌ی ترتیب اینجا مطرح می‌شود، یعنی اینکه بگوئیم همان‌طوری که بین سایر اجزاء، ترتیب مطرح است، اینجا ترتیب مطرح می‌شود.

اما اگر کسی سلام را جزء نماز ندانست، چند تا نتیجه دارد:

اولاً: دیگر بحث از ترتیب در اینجا مطرح نیست،

ثانیاً: حتی ممکن است بگوئیم رعایت سایر شرایط که در بقیه‌ی اجزاء نماز لازم است اینجا هم لازم نیست.

و لذا برخی از فقها گفته‌اند اگر کسی بعد از تشهد و قبل از سلام سهواً از او حدیثی صادر شود، نمازش نیاز به اعاده ندارد. برخی گفتند اگر کسی تشهد را خواند و سلام را یادش رفت، ممکن است از شما آقایان هم مردم این سؤال را مطرح کرده باشند که اگر کسی تشهد را خواند و سلام را یادش رفت و بعد حدیثی هم از او صادر شد، آیا اینجا نیاز به اعاده دارد یا نه؟ مرحوم سید (ره) در کتاب «العروة الوثقی» می‌گوید نیاز به اعاده ندارد، امام خمینی (ره) فتوایشان همین است که نیاز به اعاده ندارد گرچه اعاده را احتیاط استحبابی می‌کنند. اینها روی چه مبنايي است؟ اینها روی این مبناست که ما بگوئیم سلام جزئیت برای نماز ندارد و از اجزاء نماز نیست!

بررسی مبناي قائلین عدم جزئیت سلام

برخی مثل مرحوم محقق حائری (ره) موسس حوزه می‌فرمایند سلام جزء نماز نیست اما جزء مأمور به است، یعنی خدای تبارک و تعالی آنچه که برای مصلی واجب فرموده دو جزء دارد، یکی «اجزاء الصلاة» و دیگری «سلام». سلام به عنوان جزء نماز – مثل تشهد، سجده و رکوع – نیست! خارج از اجزاء نماز است، نه جزء رکعی است و نه جزء غیر رکعی، چون فقهایی که می‌گویند سلام جزء نماز است تماماً می‌گویند جزء غیر رکعی است.

مرحوم حائری (ره) می‌فرماید: سلام جزء نماز نیست، نه جزء رکعی است و نه جزء غیر رکعی است، از اجزاء نماز نیست! بلکه از – اجزاء واجب است. مثل اینکه کسانی که اقامه را واجب می‌دانند، اقامه جزء نماز نیست، اما از اجزاء واجب است و می‌گویند آن که بعد از دخول وقت برای مصلی واجب می‌شود اقامه و نماز است، اینها هم می‌گویند نماز و سلام نماز است.

اگر ما گفتیم سلام، جزء اجزاء نماز نیست، مسئله‌ی ترتیب دیگر مطرح نمی‌شود، نمی‌توانیم اینجا بگوئیم این سلام آیا مخرج است یا مخرج نیست؟ برای اینکه مخرج بودن یا مخرج نبودن سلام در فرضی است که ما بگوئیم سلام جزء نماز است، آنهایی که می‌گویند سلام جزء نماز نیست، می‌گویند با تشهد نماز تمام می‌شود، تشهد را که خواند نماز تمام است. پس اگر گفتیم این سلام جزء نماز نیست این آثار را دارد.

مخرج بودن یا نبودن سلام با فرض عدم وقوع منافی

حالا اگر بخواهیم مسئله‌ی ترتیب مطرح باشد یا اینکه سلام مخرج است یا نیست، اولاً باید قبول کنیم که سلام عنوان جزئیت برای نماز را دارد «کما علیه المشهور»، مشهور همین نظریه را دارند، مشهور قدما و متأخرین این نظریه را دارند که سلام عنوان جزء برای نماز دارد. از این رو مرحوم سیّد(ره) در کتاب «العروة الوثقی»، ج 1، ص 694 می‌فرماید: «و هو واجب علی الأقوی و جزء من الصلاة فيجب فيه جميع ما يشترط فيها من الاستقبال و ستر العورة و الطهارة و غيرها و مخرج منه»، لذا اگر گفتیم سلام جزء نماز نیست دیگر بحث مخرجیت مطرح نمی‌شود.

پس طبق نظر مشهور:

اولاً: فرض بحث را باید بیاوریم در جایی که سلام عنوان جزئیت برای نماز را دارد.

ثانیاً: الآن فرض ما این است که کسی سجده‌تین را نخواند، یعنی یادش رفت، تشهد را خواند، سلام را داد و هیچ منافی هم انجام نداده، پشت به قبله نکرده و حدث از او صادر نشده است.

می‌خواهیم ببینیم آیا اینجا که منافی انجام نداده، سلام هم جزء نماز است، آیا این سلام مخرج است یا نه؟ در باب ادله‌ی ترتیب از این نکته استفاده می‌شود که ادله ترتیب مربوط به حال اشتغال نماز است، کسی که سلامش را داد، اینجا دیگر معنا ندارد که بگوئیم رعایت ترتیب کند، کسی که سلام را داد، چون فرض این است که سلام عمده است یعنی سهوی نیست؛ اینجا بحث ترتیب معنا ندارد و موضوع ندارد، در نتیجه این سلام به نظر ما «فی محلّه» واقع شده و مخرج است، نمازش تمام شده و فهمیده رکن را نیاورده، پس این نماز باطل می‌شود. پس قاعده و ادله اقتضا می‌کند که بگوئیم کسی که سجده‌تین را فراموش کرد، تشهد را خواند و سلام را داد، این سلام مخرج، حالا که مخرج است این نماز عنوان باطل را دارد.

روی این مبانی سلام جزء نماز است اما بعد از آن دیگر لزوم رعایت ترتیب معنا ندارد. کسی که سلامش را داد معنا ندارد که بگوئیم حالا شما رعایت ترتیب کن، ترتیب مال جایی است که قبل از سلام است، یعنی اگر جزء نماز هم باشد، از آن روایاتی که ما خواندیم که سلام مخرج نماز است استفاده می‌کنیم که در این دیگر ترتیب لازم نیست، به این معنا که اگر کسی عمداً سلام داد مخرج است، حالا اگر کسی در رکعت دوم عمداً سلام نماز را داد مخرج است، لذا آن روایاتی که خواندیم ائمه ما به علمای عامه و به مردم اهل سنت فرمودند اگر در رکعت دوم سلام دادید: «فقد سلّمت» و «فقد انصرفت»، حرف درستی است! یعنی طبق همان داریم می‌گوئیم سلام مخرج است. وقتی مخرج شد، مسئله‌ی ترتیب، قبل از سلام مطرح می‌شود، بعد از سلام، نماز تمام شده پس ترتیب چه چیزی را رعایت کند؟

نتیجه این می‌شود که این سلام مخرج است، حالا رکن را نیاورده، نمازش باطل است و اگر يك سجده‌ی واحده را نیاورده او را باید قضاء کند.

این نتیجه‌ای بود که در فرض عدم وقوع منافی گرفتیم اما فرض وقوع منافی‌اش را فردا عرض خواهیم کرد.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ